

نگاهی به برنامه پنجم توسعه

در حوزه نظام سلامت



تفکیک بخش خصوصی و دولتی

در هر جامعه ای علاوه بر افرادی که با نیت درست و خیرخواهانه مشغول فعالیت هستند، افرادی هم پیدا می شوند که هدفی جز سودجویی و زیاده خواهی ندارند. بنابراین، در جامعه باید قوانین و سیاست هایی تدوین گردد که جلوی این افزون طلبی ها گرفته شود و حقوق دیگران پایمال نگردد

برای روشن شد بحث تفکیک در حوزه ی نظام سلامت مثالی از آموزگاران آموزش و پرورش ذکر خواهیم کرد. فرض کنید آموزگاری که مشغول تدریس در یک مدرسه است بخواهد برای کسب درآمد بیشتر در خارج از مدرسه در آموزشگاه خصوصی شروع به کار کند واضح است که وی برای جذب هر چه بیشتر دانش آموزان برای شرکت در کلاس های آموزشگاه خصوصی مجبور است بخشی از مطالب سر کلاس را ناگفته باقی گذاشته و دانش آموزان را برای یادگیری بهتر به شرکت در آن کلاس ها تشویق کند. درواقع این آموزگار نیتی برای کم کاری در مدرسه نداشته ولی به خاطر هدف دومی که برای خود انتخاب کرده لازم می بیند چنین رفتاری را داشته باشد.

این مثال نشان می دهد که گاهی اوقات اهداف دو سازمان با یکدیگر هم راستا نیستند و حرکت در جهت اهداف یکی لزوماً مساوی با حرکت در جهت اهداف دیگری نیست به همین خاطر لازم است که قانون، این موارد را از قبل پیش بینی کرده و شرایطی، کار کردن در مواردی از این دست را از ابتدا منع گرداند، در نظام سلامت نیز وضع بدین گونه است یعنی داشتن منفعت همزمان در بخش دولتی و خصوصی باعث می گردد که افراد شاغل در هردوی آن ها نتوانند وظیفه ی خود را به نحو احسن انجام دهند.

اخبار نظام سلامت

وزیر بهداشت:

مخالفت با اجرای طرح تحول نظام سلامت سیاسی است

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با اشاره به برخی مخالفت ها با اجرای طرح تحول نظام سلامت، گفت: برخی افراد نمی خواهند این طرح موفق شود و فکر می کنم این کار سیاسی است؛ البته نمی خواهم فرافکنی کنم، شاید این افراد تصور می کنند حوزه بهداشت و درمان موضوع بسیار مهمی نیست.

دبیر کل خانه پرستار:

امروز پرستاری زبان زور را برنمیتابد علی رغم تقابل و فشارهای بی امان وبکارگیری برخورد های خشن، حذفی و سلبی و بی سابقه مثل بازداشت غیر قانونی پرستار، تبعید، تهدید، تعلیق و اخراج گرفته تا ردصلاحیت های غیر



سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی ایران

براساس قانون برنامه پنجم توسعه پزشکان شاغل در بخش دولتی یا عمومی غیر دولتی مجاز به فعالیت در بخش خصوصی نیستند. با این وجود در حالی مجلس به سمت تدوین قانون برنامه ششم حرکت می کند که هنوز به علت وجود مشکلاتی این بخش از قانون برنامه پنجم اجرایی نشده است.

مسعود پزشکان نماینده مجلس و وزیر پیشین بهداشت در خصوص مشکلات ناشی از عدم اجرای این بند از قانون می گوید:

قتی فردی در بیمارستان دولتی استخدام است و به بیمار می گوید که بیرون از آن بیمارستان او را عمل می کند، چه لزومی دارد این فرد وارد سیستم دولتی شود و مردم را بدبین و آنها را وادار کند خانه شان را بفروشند؟ از سوی دیگر وقتی پزشکی بیماری را معاینه می کند یا او را عمل می کند، اگر عارضه ای بروز پیدا کند و پزشك در بیمارستان نباشد چه کسی پاسخگوی بیمار خواهد بود؟ هیچ جای دنیا اجازه نمی دهند پزشك ۱۰ جا کار کند و سهام داشته باشد. در اروپا، آمریکا و ترکیه هم پزشکان حق دارند يك جا کار کنند و باید پاسخگوي همان جا هم باشند.

در شرایط فعلی بعضی افراد می خواهند همزمان از امتیازات موجود در بخش خصوصی و دولتی استفاده کنند. بنابراین زمینه ی انجام فساد باید با وضع قوانینی برپچیده شود چرا که فساد در حوزه ی سلامت برای مردم بسیار گران تمام می شود، هر چند عده ی قلیلی دچار آن باشند.

منافع بخش خصوصی:

الف) یکی از منافی که از بخش خصوصی می توان انتظار داشت درآمد بیشتر است درآمد بیشتر این بخش ها، حاصل بالاتر بود تعرفه ها و قیمت خدمات آن است

ب) نفع دیگری که می تواند عاید اعضای آن گردد سهام داری است سهام داری یا داشتن سهام در بخش خصوصی بدین معنی است که بخش خصوصی موظف می گردد، سود و زیان حاصل از سرمایه گذاری خود را بین افراد سهامدار تقسیم کند در این صورت سود بخش خصوصی برابر می شود با سود فرد سهامدار و زیان آن نیز همان زیان فرد سهامدار است به همین خاطر گرچه ممکن است سهامدار به عنوان یک فرد فعال و خدمتگذار در بخش خصوصی مشغول فعالیت نباشد ولی سرنوشت این دو در هم گره خورده و حمایت فرد سهامدار از بخش خصوصی در واقع همان حمایت از سرمایه ی خود است

منافع بخش دولتی:

عضویت در بخش دولتی به خصوص مراکز آموزشی، پژوهشی

قانونی و هدف دار و تخریب با فعالین صنفی ولی با مقاومت، تحمل و صبوری فعالین صنفی وهوشیاری جامعه پرستاری کشور موج عدالت خواهی در پرستاری کشور فراگیر شد

احمد نجائبان در رابطه تعرفه های پرستاری: چند سال پیش طی یک کار کارشناسی تعرفه های پرستاری جدید تهیه و طی دو نوبت به وزارت بهداشت ارسال شد.

دوستان در وزارت بهداشت ادعا می کنند که این تعرفه ها را به وزارت رفاه ارسال کرده اند ولی علیرغم این مسئله، موضوع محقق نشد.

وزیر بهداشت:

بیمه ها پول وزارت بهداشت را بدهند

وزیر بهداشت با گلایه از برخی واکنش های مدیران سازمان های بیمه ای که مدعی شده اند از دولت طلب دارند بنابراین مطالبات مراکز درمانی و پزشکان را پرداخت نمی کنند، اظهارداشت: ما نباید بگوییم چون از دولت طلبکاریم، پس پول بهداشت و درمان را نمی دهیم، این جواب درستی نیست. چرا که این پول بیمه ها، به حقوق پزشک

نیز دارای مزیت هایی است که در بخش های خصوصی قابل دستیابی نیست و از جمله ی آن ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) حضور در بیمارستان دولتی و عضویت در هیئت علمی آن اعتباری است. برای پزشکان این اعتبار می تواند کمکی باشد برای شناخته شد هر چه بیشتر، استخدام شدن در مراکز داخل و خارج کشور زمینه ی بسیار خوبی برای ارتقای علمی و آشنا شد با شیوه ها و روش های نوین در علم پزشکی است

ب) اعتبار و بودجه ی تحقیقاتی بیمارستان های دولتی فرصتی است برای گرفتن بورس های تحقیقاتی و ارتباط با مراکز علمی سایر مناطق دنیا برقراری ارتباط علمی با جامعه ی پزشکی داخل و خارج کشور زمینه ی بسیار خوبی برای ارتقای علمی و آشنا شد با شیوه ها و روش های نوین در علم پزشکی است

ج) مجاز بود به انجام آزمایش های پزشکی و کارهای علمی - تحقیقاتی به خاطر ماهیت آموزشی پژوهشی مراکز دولتی انجام کارهای تحقیقاتی به خاطر زود بازده نبودن، نبود دانشجو و انتظارات متفاوت بیماران در مراکز خصوصی جایگاهی ندارد

اشکالات وارد به طرح تفکیک:

موارد زیر جمع بندی و خلاصه ی نظراتی است که مسئولین در وزارت بهداشت، سازمان نظام پزشکی و مدیران بیمارستان ها در قبال اجرای قانون تفکیک در رسانه ها بیان کرده اند.

- دولت قادر به تامین مالی پزشکان شاغل در بخش دولتی نیست و گاهی پیش آمده که کارانه های آنها با تاخیر پرداخت شده است

- نظام ارایه خدمات سلامتی که یک نظام مرکب می باشد، علاوه بر پزشکان، سایر اعضای جامعه پزشکی و پیرایشکی هم نقش آفرین هستند به همین خاطر همزمان با افزایش تعداد پزشکان ارایه دهنده خدمات، باید سایر اعضای کادر درمان ازجمله پرستاران هم به تعداد استاندارد برسند

- پزشکان مدت های مدیدی زندگی خود را بر اساس درآمدهای بخش خصوصی و دولتی با هم تنظیم کرده اند و به یکباره نمی توان درآمدهای بخش خصوصی را از زندگی آنها منفک کرد

منابع:

۱- نشریه مرکز مطالعات سلامت بسج دانشگاه تهران

۲- سایت سلامت نیوز در مقاله ای با عنوان "صدید بیمار در بخش دولتی و درمان در بخش خصوصی"

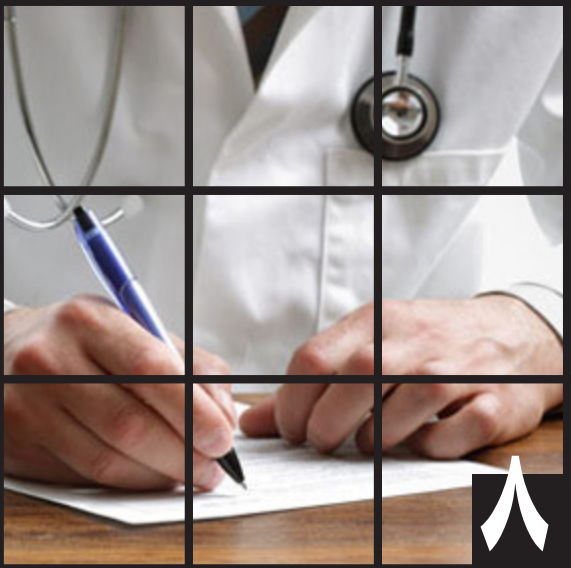
و پرستار و خدماتی که به بیماران ارائه می شود تخصیص دارد و ما فروشنده خدمات به بیمه ها هستیم.

رئیس مرکز امور هیات علمی وزارت بهداشت از کمبود ۸۰۰۰ عضو هیات علمی در دانشگاه های علوم پزشکی خبر داد.

دکتر محمد آقاجانی:

متاسفانه متوسط قدمت بیمارستان های ما در کشور ۳۵ سال است و از ۹۷ هزار تخت فعال در بیمارستان های

وزارت بهداشت ۶۷ درصد بیمارستان های کشور فرسوده هستند و نیاز به بازسازی دارند. برای حل این مشکلات برنامه بازسازی بیمارستان ها تحت عنوان ارتقای هتلتینگ، همراه با طرح تحول نظام سلامت آغاز شد و بعد از گذشت ۱۶ ماه، وزارت بهداشت با تلاش دانشگاه ها و بیمارستان ها موفق شد دو میلیون مترمربع بازسازی را انجام دهد که این بزرگ ترین پروژه بازسازی متمرکز بیمارستان های دولتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است.



۸

KAMINGAH

کامینگاه

نسخه ۳۵

بازگشت امپراتور

شطرنج برجام

فراز و فرود های اصولگرایی

جارچی

گزارش تصویر از مراسم ویژه محرم !!!

مهارت های زندگی "اعتماد به نفس"

نگاه به برنامه پنجم توسعه در حوزه نظام سلامت

اخبار نظام سلامت

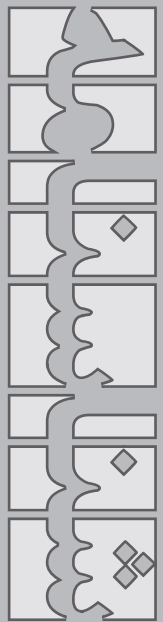
همکاری، پیشنهادات و انتقادات شما: Mohammadhipanah@Chmail.ir

خود را به ایمیل زیر ارسال نمایند

اجتماعی و نظام سلامت می توانند مقالات

در زمینه موضوعات سیاسی اقتصادی علوم

کلیه علاقه مندان برای همکاری با نشریه



## دو هفته نامه سیاسی , اجتماعی و اقتصادی

**صاحب امتیاز:** جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد

**مدیر مسئول:** علی عرب

**سر دبیر:** محمد رضا هادی پناه

**هیئت تحریریه:** محمد رضا هادی پناه، امیر رضا امیری فر، علی

رحمانی فرد، امیرعباس شهبسواری، امیر طه شرفیان، مسلمی سراجی،

فرهاد مومن، محمد نوری پهلوان، صادق نظیف، لعل وظیفه

**ویراستار و طراح گرافیک:** محمد رضا پارسایی فر

MRParsaeefar@Gmail.com

**شماره مجوز:** ش/ک/۳۳۶-۲۹/۹/۱۳۸۸

**تاریخ انتشار:** نیمه اول آبان ۱۳۹۴

**دوره نشر:** ششم



ویرانی حاصل از جنگ جهانی دوم را بازسازی نمود. الگو مصرفی ساده در کنار میل به پس انداز بالا واردات آنها را به شدت کاهش داده بود و از طرفی منابع مالی لازم را در اختیار بانک ها

برای ارائه تسهیلات قرار می داد.

در خصوص روحیه گروه گرایی ژاپنی ها نیز چند سال پیش با یکی از مردم آن از طریق پیج اینستاگرام گفت و گو می کردم ،وی در پاسخ به سوالم درباره ویژگی های جامعه آن پاسخ داد<sup>(۱)</sup>:

From my experience living and being part.... of a Japanese mind all my life is that we work together as a group and help each other in very hard times so we can survive! that is the strength of Japan ....

الگو حمایت از تولیدات داخلی با هدف بهبود اقتصاد نیز نقش مهمی در پیشبرد اهداف اقتصادی جامعه ژاپن ایفا کرده بود . برای اثبات وجود چنین روحیه ای نیز به سخنان اتسوکو هوشینو اشاره می کنم وی یک ژاپنی شیعه شده است که در برنامه ای تلویزیونی در ایران پس از سوال مجری درخصوص اینکه از کالاهای ژاپن استفاده می کنید یا ایران بیان می کند:

ما باید به اقتصاد یک کشور شیعه کمک کنیم صادقانه می گویم که آنچه وی بدان اشاره کرد ترکیبی از روحیات ژاپنی و آموخته های وی در تشیع بوده است.

این بانوی ژاپنی در یک مصاحبه در خصوص ویژگی های مردم ژاپن این گونه سخن می گوید :

ببینید مردم ژاپن مسلمان نیستند تا از دستورات اسلامی بهره ببرند اما به حکم یک وظیفه انسانی و منطقی به قضیه نگاه می کنند وقتی وضعیت اقتصادی آنجا خوب بود خیلی به این موضوع توجه نداشتند و رعایت نمی کردند اما در طول ۲۰ تا ۲۵ سال اخیر اقتصاد ژاپن هم دستخوش تحولات زیادی شده و خوب نیست , به خصوص با ورود انبوه کالاهای چینی به اقتصاد آنجا هم ضربه وارد شده است ولی مردم

همراهی می کنند تا اقتصاد کشور آسیب نبیند چون می دانند اگر کالای داخلی مصرف نکنند اقتصادشان ازهم می پاشد و ضرر می کنند. جنس ژاپنی نیز از همان روز اول خوب و مرغوب نبود ولی خوب شد, چون تولید کنندگان تلاش کردند تا جنس مرغوب شود و با مصرف کنندگان همکاری داشتند, نظرات آنها را استفاده می کردند تا کیفیت را بالا ببرند؛ ازطرفی ما نباید نگاهمان کوتاه مدت مقطعی باشد که حالا یک جنس خارجی خوب بخریم بلکه اگر نگاه دراز مدت باشد حتی به قیمت متضرر شدن به اجناس داخلی بها می دهیم البته تولید کنندگان هم باید مراقب کیفیت تولیدات باشند هم از نظر اعتقادی و هم از نظر انسانی باید به محصولات داخلی اهمیت داد.

البته من این را نمی گویم که اصلا جنس خارجی خریداری نمی کنند چون همه جا افرادی هستند که به دنبال برند و مارک خارجی اند اما اغلب مردم این تفکر را در ژاپن ندارد.



به نظر می رسد برداشته شدن تحریم فرصتی است که استفاده از آن می تواند رونق زیادی را برای ما به ارمانان بیاورد . اقتصاد ایران حتی اگر با اغراق برخی مسئولان دولتی ۸ سال ویرانی را تجربه کرده باشد اما هیچگاه به بدی ژاپن پس از جنگ جهانی دوم نبوده است . اکنون زمان آن رسیده که همه ما با هر گرایشی به فکر توسعه اقتصادی ایران خود باشیم.



## گزارش تصویری از مراسم ویژه محرم !!!



## مهارت های زندگی

## "اعتماد به نفس"

(دوباره سلام , ترمولت !!!)

میرونی چه نمیروم شما هم این مشکل رو دارید یا نه ولی وقتی تازه وارد دانشگاه شده بودم از انجمن خیلی صرا می ترسیدم مثلاً می ترسیدم که سر کلاس نظر من بدم و جلوک جمع حرف بزنم و یا خجالت می کشیدم که به بقیه "نه" بگم تازه این همش خوبه بعضی ترها تا مدت ها شونته بودن دوست جدید پیدا کنن . قدرش رو بکن خیلی سخته این طور نیست ؟!

همه اینا به کنار راستش ریم برای خانواده هم خیلی تنگ شده بود , البته این دوری یه فایده هم داشت که باعث شده بود قدرش رو بیشتر بدونم چون تازه مجبور بودم خورم لباسم رو بشورم , نهار ظهر جمع رو نه نلو باعث شد بفهمم چقدر

استعدادمون بالاست مثلاً خور

من یه بار سبب زمینی سرح

کردم ولی نمیروم چی شد

همش به لفت تابه چسب , یه

بار هم دوستم برنج درست کرد

نه روغن داشت نه نمک !!!

این همه لقمه تا برسم به

اینجا تو این مقالات میخوام

درباره مباحث اعتماد به نفس

, مهارت جرات مندرک و "نه"

گفتن صحبت کنیم تا لقمه

سوتن ترمون بدین البته خیلی

از ترس بالایی هاتون هم از

این سوتن ها میلان .

موضوع این قسمت اعتماد به

نفس هست . اول ببینیم اعتماد

به نفس یعنی چه ؟

اعتماد به نفس یعنی چگونگی نگرش و قضاوت شما درباره خودتان, زمانی از اعتماد به نفس قابل قبولی برخوردارید که خودتان را آنگونه که هستید بپذیرید.

یادتونه گفتیم بعضی ترما اعتماد به نفسشون ضعیفه دلیل اون میتونه یکی از این مورد باشه !

۱- نحوه تربیت و پرورش که از آن برخوردار بودیم اولین چیزی است که ممکن است باعث تضعیف اعتماد به نفس ما شود اولین تجربه ها در خانواده و مدرسه احساس ما را درباره اینکه چه کسی هستیم و تا چه حد ارزش و اعتبار داریم می سازد . دوره کودکی که در آن انتقاد , طرد و شکست های پی در پی در رسیدن به اهداف غیرواقعی وجود داشته باشد باعث تضعیف و رشد نیافتن اعتماد به نفس می شود .

۲- اگر دائماً به خود بگویید ناتوان هستید خود را به سوی پذیرش بدبختی سوق می دهید . افکار ما کمک می کند تا اعتماد به نفس خود را حفظ کنیم اما حتی یک فکر بیهوده نیز می تواند اعتماد به نفس ما را تحت الشعاع قرار دهد

۳- اگر دائماً خود را با افرادی که به نظر موفق تر از خودمان هستند مقایسه می کنید نیز گاهی برداشته اید در جهت کاهش اعتماد به نفس خود . در صورتی که بهتر است هرکس خودش را با خودش مقایسه کند تا بتواند براساس توانمندی ها و امکانات خودش در جهت پیشرفت حرکت کند

میروم چی! الان راید فکر می کنه چه طوری میم مشکل اعتماد به نفس رو حل کرد . اینم روش هاش فقط یه جور رفتن نشد که بهتون بلن اعتماد به نفس تو رو آله لرم می داشت الان سلطان جنقل بود .

۱- ارزش و احترام خود را به کاری که انجام می دهید وابسته نکنید بلکه به خود نفسانی خود فی نفسه احترام بگذارید . ترکیب آنچه هستی با آنچه که انجام می دهی کار اشتباهی است . در قدم اول هریک از ما باید درباره ارزش وجودی خود تصمیم بگیرد .

۲- با داشتن اهدافی در زندگی و پیگیری آنها به جستجو خود بپردازید . صرف وقت و انرژی برای تحقق اهداف واقعی احساس کار آمدی و کفایت را در ما بارور می سازد .

۳- گاهی پیش می آید با تمام تدبیری که برای رسیدن به هدفی اندیشیده اید در عمل نتیجه اشتباه می شود . به این توجه کنید که مشکلات مانع پیشرفت نیستند بلکه معماهایی هستند که با تفکر می توان آنها را حل کرد .

۴- اجازه ندهید افکار منفی به ذهنتان خطور کند . سه نوع دام فکری وجود دارد که در کاستن از میزان اعتماد به نفس نقش مشخص تری دارند : انتظارات بزرگ , مقایسه خود با دیگران و قانون مورفی ( افراد با اعتماد به نفس پایین عادت دارند خود را باعث روی دادن وقایع ناخوشایند بدانند اما وقتی کارها به وفق مراد است آن را به دیگران و شرایط نسبت می دهند ) .

۵- سعی کنید تفکر همه یا هیچ را کنار بگذارید . برای روشن شدن این موضوع به این مثال توجه کنید :

زهره دختری است که به تازگی یاد گرفته شطرنج بازی کند . همبازی های او سالها این تجربه را داشته اند و به همین دلیل از او بهتر بازی می کنند . اگر چه او از این بازی لذت می برد اما از ترس برنده نشدن تصمیم گرفت کلا از بازی صرف نظر کند .

این عمل می تواند اعتماد به نفس را کاهش دهد برای جلوگیری از وقوع این کار به این مسئله فکر کنید که سرگرم شدن در بازی خود می تواند خوب و کافی باشد و هیچ الزامی ندارد که در هر بازی برنده میدان باشید .

منبع : کتاب تقویت اعتماد به نفس تالیف دکتر علی صاحبی

[ با تشکر از خانم دکتر فیض ]





## فراز و فرود های

## اصولگرایان(۲)

**جامعه روحانیت مبارز**

پس از حوادث ۱۵ خرداد سال ۴۲ ضرورت شکل دهی یک تشکیلات منسجم برای مبارزه با رژیم از طرف امام و یارانش بیش از هر زمانی احساس شد .امام برای جلب توجه علما و روحانیون پیشنهاد برگزاری



جلسات هفتگی بدون آنکه سخنی از مسایل سیاسی به میان بیاورند را با شهید محلاتی مطرح کرد . محلاتی در خاطرات خود اینگونه آورده است :

به آقایان بگوئید همه شان هفته ای یک شب هم که شده دور هم بنشینند و با هم چای بخورند و هیچ کار دیگری نکنند.

با تلاش های شهید مطهری , سرانجام این تشکل با همراهی شهید بهشتی ,باهنر, مهدوی کنی , مفتح , محلاتی , خسروشاهی ,ناطق نوری ,موحدی کرمانی, کروبى و موسوى خوئینى ها شکل گرفت.

درواقع می توان گفت آنچه در بهمن ۵۷ روی داد حاصل سالها مبارزه و ترویج ایدئولوژی امام بود که رهبران این جریان با پخش اعلامیه ,برگزاری تجمعات و تربیت نیروهای انقلابی نقش مهمی در وقوع آن ایفا کردند . شهادت مصطفی خمینی و سخنرانی معروف حسن روحانی :

با شهادت مصطفی خمینی جامعه روحانیت مبارز تلاش گسترده ای برای برگزاری مراسم متعدد نمود تا از این طریق امام را به عنوان رهبر نهضت برای مردم معرفی کند . آگهی هایی که با امضای مطهری ,باهنر, مهدی بازرگان, طالقانی و سایر یاران امام درخصوص شهادت مصطفی در حال پخش بود در شناساندن چهره رژیم و رهبری انقلاب نقش مهمی ایفا کرد .

مجلس ختم مصطفی خمینی از آن نظر حائز اهمیت بود که حسن روحانی با ذکر آیه و “ اذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فانهمن قال انی جاعلک للناس اماما “به خمینی کبیر لقب امام داد.

**تشکیل حزب جمهوری**

با پیروزی انقلاب اسلامی رویکرد مبارزاتی جامعه روحانیت تغییر پیدا کرد و اکنون آنها به دنبال راه حلی با هدف به اجرا درآوردن آرمان های انقلاب بودند . بدین منظور بعضی از اعضای جامعه روحانیت به رهبری شهید بهشتی تصمیم به تشکیل حزب گرفتند.

**آیت الله خامنه ای در این باره می گوید :**

قبل از انقلاب پایه های یک حزب بزرگ و فعال را خود ما ریختیم. اول انقلاب هم این حزب را تشکیل دادیم .همان وقت به ما اشکال گرفتند که تحزب با وحدت عمومی در تضاد است . تحزب میتواند در جامعه صورت بگیرد در عین حال وحدت هم صدمه ای نبیند اینها با هم منافاتی ندارد . منتهی آن حزبی که مورد نظر ماست عبارتست از یک تشکیلاتی که نقش راهنمایی و



هدایت آحاد مردم به سمت یک آرمان هایی را ایفا می کند . می خواهد جامعه را به یک سطحی از معرفت ,به یک سطحی از دانایی سیاسی و عقیدتی برساند . شهید بهشتی برای تشکیل حزب با روحانیونی نظیر موحدی کرمانی , مهدوی کنی ,موسوی خوئینی ها و دوستان غیر روحانی اش نظیر بازرگان ,عزت ا.., سجابی و عسکراولادی گفت و گو می کند . وی در خصوص تشکیل حزب اینگونه سخن می گوید :

من ,خامنه ای ,محمد جواد باهنر ,موسوی خوئینی ها و پیمان به عنوان هسته اصلی روی اساسنامه و مراننامه کار میکردیم. این نتیجه کار مشترک ما قبل از انقلاب بود .بعد از انقلاب من به همراه خامنه ای ,رفسنجانی ,باهنر و موسوی اردبیلی موجودیت حزب را اعلام کردیم البته به مهدوی کنی هم گفته بودیم ولی استقبال نکرد .

به عقیده مهدوی کنی جامعه روحانیت فراتر از یک حزب است و نباید خود را در روابط حزبی محدود سازد با همین تفکر وی هیچگاه حاضر نشد برای جامعه روحانیت تقاضای مجوز حزب کند .با این وجود جامعه روحانیت به قدری در فضای سیاسی ایران قدرت داشت که تا سال ۷۶ تمام نامزدهای مورد حمایت این حزب به عنوان رئیس جمهور انتخاب شدند .

مطهری و طالقانی نیز از جمله افرادی بودند که با کار حزبی روحانیون مخالف بودند . اگرچه مطهری هیچگاه به عضویت حزب در نیامد اما به اصل کار حزبی اعتقاد داشت و افراد را جهت عضویت در آن تشویق می نمود.



با فرا رسیدن نخستین انتخابات ریاست جمهوری ایران شکاف ها میان اعضای حزب جمهوری و جامعه روحانیت نمایان شد .حزب جمهوری با حمایت از جلال الدین فارسی وارد عرصه انتخابات شد و در این زمان بخشی از اعضا جامعه روحانیت که به حزب جمهوری نیپوسته بودند بر خلاف توصیه های بهشتی از بنی صدر حمایت کردند ,چرا که معتقد بودند بهشتی رقیب بنی صدر است و اتخاذ این موضع نیز برای این مسئله است .

ارائه برنامه هایی برای وحدت ملی ,بازسازی اقتصاد

,امنیت و معنویت مردم ,همراهی بنی صدر با امام از پاریس ,عضویت در شورای انقلاب ,مناظره عمومی با مارکسیست ها ,سفر به اکثر شهرهای ایران و ارائه چهره ی کاملاً مردمی ,جامعه روحانیت را به این نتیجه رسانده بود که بنی صدر گزینه مناسبی است .

دکتر ابراهیمی از اعضای جامعه روحانیت در مصاحبه ای با سایت تاریخ ایرانی بیان می کند :

در آن دوران فضا به شدت علیه رهبران حزب از جمله بهشتی و خامنه ای بود طوریکه تا اسمی از آنان می آمد عده ای بلند می شدند و اعتراض می کردند و حتی نمی شد از بنی صدر انتقاد کرد . در ماجرای ۱۴ اسفند ۵۹ فضا طوری بود که شعار مرگ بر بهشتی می گفتند و عده ای نیروهای حزب اللهی را با زنجیر می زدند .

طولی نمی کشد که جامعه روحانیت حمایت خود



از بنی صدر را که اکنون عقاید حقیقی خود را نشان داده بود بر میدارد و همگرایی جامعه روحانیت با حزب جمهوری بیشتر می شود . ائتلاف حزب جمهوری و جامعه روحانیت در نخستین انتخابات مجلس ثمره این همگرایی شکل گرفته بود . با ترور رجایی و باهنر در سال ۶۰ در جلسه ای که جُزب جمهوری ترتیب داده بود. آیت ا.., مهدوی کنی دبیر کل جامعه روحانیت مبارز به عنوان نخست وزیر موقت انتخاب گشت همینطور در سومین انتخابات ریاست جمهوری مهدوی



کنی در حمایت از علی خامنه ای نماینده حزب جمهوری کناره گیری می کند .

**انشقاق در میان اعضای چپ و راست جامعه روحانیت مبارز :**

در شماره قبلی نشریه به شکل گیری اختلافات میان جریان های راست و چپ پیرو خط امام پرداختیم . یکی از گروه هایی که از این اختلافات متأثر شد جامعه روحانیت مبارز است .

اختلافات میان اعضای جامعه روحانیت پیش از انقلاب نیز بوده است ولی به دلیل حضور دشمن مشترک تنها در سطح ایدئولوژی باقی می ماند و بر روی روابط اعضا تأثیری نمی گذاشت . اختلافاتی که خود را در زمینه نظریه هایی پیرامون جایگاه رای مردم در میانی نظام ,اختیارات دولت , وظایف ولی فقیه ,دیدگاه های اقتصادی قوانین کار و اصلاحات ارضی خود را نمایان کرده بود منجر به استعفای داعی ,جلالی و کروبى از شورای مرکزی جامعه روحانیت شد .

امام با مشاهده این حوادث اجازه تشکیل سازمانی جدید به نام مجمع روحانیون را صادر می کند . این مجمع بر خلاف جامعه روحانیت که معتقد بود یک حزب نیست به عنوان یک حزب از وزارت کشور تقاضای مجوز می کند و در جریان انتخابات مجلس

سوم لیست جداگانه ای که به پیروزی نسبی آن منجر می شود ارائه می دهد .

امام همچنین در پیامی معروف به منشور برادری ضمن



تأیید این انشقاق توصیه هایی را به هر دو گروه می کند :

. اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد, موجب سستی نظام می‌شود و این مسئله روشن است که بین افراد و جناحهای موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد, صرفاً سیاسی است ولو اینکه شکل عقیدتی به آن داده شود, چرا که همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می‌نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که



به عقیده خود موجب رستگاری است. اکثریت قاطع هر دو جریان می‌خواهند کشورشان مستقل باشد, هر دو می‌خواهند سیطره و شر زالوصفتان وابسته به دولت و بازار و خیابان را از سر مردم کم کنند. هر دو می‌خواهند کارمندان شریف و کارگران و کشاورزان متدین و کسبه صادق بازار و خیابان, زندگی پاک و سالمی داشته باشند. هر دو می‌خواهند دزدی و ارتشا در دستگاههای دولتی و خصوصی نباشد, هر دو می‌خواهند ایران اسلامی از نظر اقتصادی به صورتی رشد نماید که بازارهای جهان را از آن خود کند, هر دو می‌خواهند اوضاع فرهنگی و علمی ایران به گونه‌ای باشد که دانشجویان و محققان از تمام جهان به سوی مراکز تربیتی و علمی و هنری ایران هجوم آورند, هر دو می‌خواهند اسلام قدرت بزرگ جهان گردد. پس اختلاف بر سر چیست؟ اختلاف بر سر این است که

هر دو عقیده‌شان است که راه خود باعث رسیدن به اینهمه است, ولی هر دو باید کاملاً متوجه باشند که موضوعگیرِها باید به گونه‌ای باشد که در عین حفظ اصول اسلام برای همیشه تاریخ, حافظ خشم و کینه انقلابی خود و مردم علیه سرمایه داری غرب و در رأس آن امریکای جهانخوار و کمونیسم و سوسیالیزم بین الملل و در رأس آن شوروی متجاوز باشند.هر دو جریان باید با تمام وجود تلاش کنند که ذره‌ای از سیاست «نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی» عدول نشود که اگر ذره‌ای از آن عدول شود, آن را با شمشیر عدالت اسلامی راست کنند. هر دو گروه باید توجه کنند که دشمنان بزرگ مشترک دارند که به هیچ یک از آن دو جریان رحم نمی‌کند. دو جریان با کمال دوستی مراقب امریکای جهانخوار و شوروی خائن به امت اسلامی

باشند. هر دو جریان باید مردم را هوشیار کنند که درست است که امریکای حیلہ‌گر دشمن شماره یک آنها است ولی فرزندان عزیز آنان زیر بمب و موشک شوروی شهید گشته‌اند. هر دو جریان از حیلہ گریهای این دو دیو استعمارگر غافل نشوند و بدانند که امریکا و شوروی به خون اسلام و استقلالشان تشنه‌اند.خداوند! تو شاهد باش من آنچه بنا بود به هر دو جریان بگویم گفتیم, حال خود داندند.البته یک چیز مهم دیگر هم ممکن است موجب اختلاف گردد– که همه باید از شر آن به خدا پناه ببریم– که آن حب نفس است که این دیگر این جریان و آن جریان نمی‌شناسد.

اگر آقایان از این دیدگاه که همه می‌خواهند نظام و اسلام را پشتیبانی کنند به مسائل بنگرند, بسیاری از معضلات و حیرتها برطرف می‌گردد ولی این بدان معنا نیست که همه افراد تابع محض یک جریان باشند.

با این دید گفته‌ام که انتقاد سازنده معنایش مخالفت نبوده و تشکل جدید مفهومش اختلاف نیست. انتقاد بجا و سازنده باعث رشد جامعه می‌شود. انتقاد اگر بحق باشد, موجب هدایت دو جریان می‌شود. هیچ کس نباید خود را مطلق و مبرای از انتقاد ببیند. البته انتقاد غیر از برخورد خطی و جریانی است. اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد, حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب

لطمه وارد کرده است. در هر حال یکی‌از کارهایی که یقیناً رضایت خداوند متعال در آن است, تألیف قلوب و تلاش جهت زدودن کدورتها و نزدیک ساختن مواضع خدمت به یکدیگر است. باید از واسطه‌هایی که فقط کارشان القای بدبینی نسبت به جناح مقابل است, پرهیز نمود. شما انقدر دشمنان مشترک دارید که باید با همه توان در برابر آنان بایستید, لکن اگر دیدید کسی از اصول تخطی می‌کند, در برابرش قاطعانه بایستید.

انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی در حالی نزدیک می شود که دومین انشقاق در جامعه روحانیت در حال شکل گیری است . مخالفت جامعه روحانیت با قرار دادن پنج نفر از مدیران هاشمی در لیست خود زمینه شکل گیری جریان جدیدی با نام راست مدرن یا کارگزاران را فراهم می کند هاشمی در این باره می گوید :

من از اول هم خواهان انشعاب نبودم . ولی دوستان ترجیح دادن مدیران اجرایی لیست جداگانه ای برای کاندیداتوری داشته باشند لذا من هم نهی خود را از



روی دوستان برداشتم .

این حادثه را می توان نخستین جرقه های تغییر رویکرد هاشمی و نزدیکی وی به اصلاح طلبان محسوب نمود . تا جایی که عطریانفر حوادث دوم خرداد را محصول پیش زمینه های کارگزاران و آغاز اصلاح طلبی را با شروع این حزب می داند.

روی کار آمدن جریان دوم خرداد و انتساب مشکلات به روحانیون ارشد نظام از طرف مطبوعات ,جامعه روحانیت را تا حد زیادی تضعیف کرد اما پس از شکل دهی ائتلاف آبادگران و ایجاد جریان اصولگرایی جامعه روحانیت با بازپسگیری نسبی جایگاه گذشته خود به عنوان پدر معنوی این جریان محسوب گردید و اقدام

به انتشار منشور اصولگرایی نمود.

در انتخابات مجلس نهم که اختلافات میان اصولگرایان بالاگرفته بود این تشکل با شکل دهی جبهه متحد اصولگرا نقش مهمی در وحدت جریان های اصولگرایی ایفا نمود .هر چند که برخی از اصولگرایان موسوم به جبهه پایداری حاضر به پذیرش ائتلاف مذکور نشده و با لیست جداگانه ای تحت عنوان جبهه پایداری در انتخابات شرکت نمودند .

**به طور کلی می توان جامعه روحانیت را به چهار لایه تقسیم کرد :**

۱-لایه غیر سیاسی : این لایه غیر فعال و حاشیه نشین است

۲-لایه متمایل به هاشمی که گاهی همفکری نزدیکی با اصلاح طلبان دارد از جمله این افراد می توان به هاشمی ,روحانی و تا حدودی ناطق نیز اشاره کرد .

در سال های اخیر این لایه فاصله زیادی با جامعه روحانیت گرفته است به طوریکه هاشمی در عموم جلسات جامعه روحانیت شرکت نمی کند . انتخاب موحدی کرمانی پس از فوت مهدوی کنی با وجود کاندیداتوری حسن روحانی و هاشمی رفسنجانی نشان دهنده تفاوت فکری اکثریت جامعه روحانیت با این لایه محسوب می شود.

۳-لایه اصولگرایان میانه رو : اکثریت روحانیت مبارز شامل این طیف می شوند ابوترابی فرد ,پور محمدی ,مصباحی مقدم و موحدی کرمانی از جمله این افراد هستند.

۴-لایه متمایل به پایداری : تفکرات این گروه اگرچه نزدیکی زیادی با پایداری ها دارد ولی در انتخابات مجلس نهم از لیست جبهه متحد حمایت کردند .

**سیاست کلی اقتصادی**

خط مشی اقتصادی جامعه روحانیت مبتنی بر حمایت از بخش خصوصی و کاهش نقش دولت در امور اقتصادی است.
حجت الاسلام والمسلمین تقوی عضو برجسته شورای مرکزی روحانیت مبارز در این باره اینچنین اظهار نظر کرد: ما معتقد نیستیم که همه کارها در دولت متمرکز شود و دولت همه کارها را انجام بدهد. بنابراین مردم را باید به صحنه و میدان عمل بکشانیم و به سمت خصوصی سازی، متناسب با آن میارهایی که قانون اساسی و برنامه مشخص می کند، حرکت کنیم

خط مشی روحانیت مبارز در اقتصاد عمدتاً در اقتصاد سنتی و تا حدی سرمایه داری تجاری، تولید و اقتصاد بازار خلاصه می شود.
جامعه روحانیت با ادغام اقتصاد کشور در بازارهای جهانی و نیز با هر عملی که اقتصاد کشور را وابسته سازد، مخالف است.
برخی معتقدند که نزدیکی و پیوند بازار به جامعه روحانیت به دلیل همین طرز تفکر است. این افراد سیاست های اقتصادی جامعه روحانیت را کاملاً سرمایه داری و مغایر با اصول و تفکرات امام(ره) می دانند

**سیاست های کلی فرهنگی**

خط مشی فرهنگی جامعه روحانیت بیش از هر چیز ریشه در اندیشه اسلام ناب و تفکرات اصیل شیعی دارد. در نتیجه این اعتقاد، روحانیت مبارز گرایشی ذاتی بر حفظ ارزش های معنوی و مسائل ارزشی اسلام دارد.

براساس همین رویکرد برخی از مهم ترین سیاست های فرهنگی این تشکل عبارتند از:
۱-مقابله با تهاجم فرهنگی
۲-کنترل قبل از انتشار محصولات فرهنگی
۳-اسلامی کردن دانشگاه ها.